

### احکام بعد از مرگ

مسئله ۵۱۵ - مستحب است بعد از مرگ دهان میت را روی هم بگذارند که باز نماند و چشمها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را صاف کنند و پارچه‌ای روی او بیندازند و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند و در دفن او عجله نمایند، ولی اگر یقین به مرگ او ندارند، باید صبر کنند تا کاملاً معلوم شود.

مسئله ۵۱۶ - اگر میت زن حامله باشد و هنوز بهچه در شکم او زنده است و یا احتمال زنده بودن او را بدهند، باید پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند، سپس پهلو را بدوزند و چنانچه دسترسی به اهل اطلاع بوده باشد این کار را زیر نظر آنها انجام دهند.

مسئله ۵۱۷ - غسل و کفن و نماز و دفن میت مسلمان «واجب کفائی» است، یعنی اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده‌اند و در این مسئله تفاوتی میان فرقه‌های مختلف مسلمانان نیست.

مسئله ۵۱۸ - هرگاه کسی مشغول و وظایف بالا شود بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند، اما اگر عمل خود را نیمه کاره بگذارد باید دیگران تمام کنند و هرگاه شک کند کسی اقدام به کارهای میت کرده است یا نه، باید خودش اقدام کند.

مسئله ۵۱۹ - هرگاه کسی اقدام به غسل و کفن و نماز و دفن میت کرده و ندانیم صحیح بجا آورده یا باطل، باید بگوییم صحیح بوده، اما اگر یقین داریم باطل انجام داده است باید دوباره انجام دهیم.

مسئله ۵۲۰ - برای غسل و کفن و نماز و دفن میت باید از ولی او اجازه بگیرند، شوهر نسبت به زن خود از همه اولی است، سپس کسانی که از میت ارث می‌برند به ترتیبی که در ارث بیان شده ولایت بر میت دارد و چنانچه در یک طبقه وارث مرد و زن باشند، احتیاط این است از هر دو اجازه بگیرند.

مسئله ۵۲۱ - اگر کسی بگوید من وصی یا ولی میت هستم، یا ولی میت به من اجازه داده که اعمال او را انجام دهم و بدن میت در اختیار اوست، انجام کارهای میت باید با اجازه او باشد.

مسئله ۵۲۲ - هرگاه میت برای کارهای خودش شخص دیگری غیر از ولی را معین کند، مثلاً وصیت کند فلان شخص بر من نماز بخواند، واجب است به آن عمل شود و احتیاط

مستحب آن است که از ولی هم اجازه بگیرد، اما کسی که میت، او را برای انجام این کارها معین کرده واجب نیست این وصیت را قبول کند، اگرچه قبول بهتر است و اگر قبول کرد باید به آن عمل کند.

مسألة ۵۲۳ - هرگاه بداند ولی راضی است، اما صریحاً با زبان اجازه نداده است همین اندازه که اجازه او از ظاهر حال نمایان باشد کافی است.

### ۶ - احکام غسل میت

مسألة ۵۲۴ - واجب است میت مسلمان را سه غسل بدهند: اول با آبی که با سدر مخلوط باشد، دوم با آبی که با کافور مخلوط است. سوم با آب تنها، ولی شهید و بعضی دیگر غسل ندارند که شرح آن بعداً خواهد آمد.

مسألة ۵۲۵ - مانعی ندارد سدر و کافور به اندازه‌ای باشد که آب را مضاف کند، ولی باید به اندازه‌ای کم نباشد که بگویند سدر و کافور با آب مخلوط نشده است و در صورتی که مضاف شود بهتر این است میت را اول با آن بشویند و بعد آب روی بدن او بریزند تا به صورت مطلق درآید.

مسألة ۵۲۶ - هرگاه سدر و کافور به اندازه لازم پیدا نشود، بنا بر احتیاط واجب باید همان مقدار که به آن دسترسی دارند در آب بریزند و اگر آن هم پیدا نشود بجای آن با آب معمولی غسل دهند.

مسألة ۵۲۷ - کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است هرگاه پیش از تمام کردن طواف و قبل از حلال شدن بوی خوش بر او، از دنیا برود باید بجای آب کافور او را با آب معمولی غسل دهند.

مسألة ۵۲۸ - کسی که میت را غسل می‌دهد باید مسلمان و بالغ و عاقل باشد و مسائل لازم غسل را بداند و احتیاط مستحب آن است که شیعه دوازده امامی باشد.

مسألة ۵۲۹ - غسل میت باید با قصد قربت، یعنی برای خدا انجام داده شود.

مسألة ۵۳۰ - بچه مسلمان اگرچه از زنا باشد غسل او واجب است و کسی که از بچگی دیوانه بوده و با همان حال بالغ شده، چنانچه پدر و مادر او مسلمان باشد غسل او واجب است، همچنین کسی که قبلاً مسلمان بوده و بعد دیوانه شده است.

مسأله ۵۳۱ - بچه سقط شده‌ای را که چهارماه یا بیشتر دارد باید غسل دهند و اگر کمتر از آن باشد بنا بر احتیاط واجب در پارچه‌ای پیچند و بدون غسل دفن کنند.

مسأله ۵۳۲ - مرد نمی‌تواند زن را غسل دهد، همچنین زن نمی‌تواند مرد را غسل دهد، مگر زن و شوهر که هر کدام می‌تواند دیگری را غسل دهد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر ضرورتی نیست این کار را نکنند.

مسأله ۵۳۳ - مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که سن او از سه سال کمتر است غسل دهد و زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال کمتر دارد غسل دهد.

مسأله ۵۳۴ - اگر برای غسل دادن میت مرد، مرد پیدا نشود زنائی که با او محرمند می‌توانند او را غسل دهند، همچنین اگر برای غسل دادن میت زن، زن پیدا نشود مردهایی که با او محرمند می‌توانند او را غسل دهند و بهتر است از روی لباس باشد.

مسأله ۵۳۵ - هرگاه میت مرد را مرد غسل دهد و یا میت زن را زن غسل دهد، جایز است غیر از عورت، بدن او را برهنه کند.

مسأله ۵۳۶ - نگاه کردن به عورت میت حرام است ولی غسل را باطل نمی‌کند.

مسأله ۵۳۷ - هرگاه عضوی از بدن میت ملاقات با نجس کرده باشد، باید پیش از آنکه آن را غسل بدهند آب بکشند و احتیاط مستحب آن است که تمام بدن میت را پیش از شروع غسل از نجاست بشویند.

مسأله ۵۳۸ - غسل میت مثل غسل جنابت است و احتیاط آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است غسل ارتماسی ندهند، ولی جایز است در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را به ترتیب در آب فرو برند. هرگاه زن حائض یا شخصی جنب از دنیا برود همان غسل میت برای او کافی است.

مسأله ۵۳۹ - جایز نیست برای غسل دادن میت مزد بگیرند، ولی مزد گرفتن برای کارهای مفدماتی و نظافت او و مانند آن اشکالی ندارد.

مسأله ۵۴۰ - اگر آب پیدا نشود، یا بدن میت طوری باشد که نمی‌توان آن را غسل داد و یا به خاطر هر مانع دیگر غسل ممکن نشود، باید میت را عوض هر غسل یک تیمم، بدهند، به این ترتیب که تیمم دهنده رو به روی میت قرار می‌گیرد و دست خود را بر زمین می‌زند و به صورت و پشت دستهای میت می‌کشد.

### احکام کفن کردن

مسألة ۵۴۱ - واجب است میت مسلمان را با سه پارچه که یکی از لنگ و دیگری را پیراهن و دیگری را سرتاسری می نامند کفن کنند.

مسألة ۵۴۲ - لنگه باید از ناف تا زانو تمام اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و بنا بر احتیاط واجب پیراهن باید از سرشانه تا نصف ساق، تمام اطراف بدن را بپوشاند و بلندی سرتاسری بنا بر احتیاط واجب باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن شود و پهنای آن به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر قرار گیرد.

مسألة ۵۴۳ - کفن را به طور متعارف از واجب و مستحب می توان از اموال میت برداشت، هر چند صغیر داشته باشد، اما زید بر متعارف را نمی توان از حق صغیر برداشت، مگر اینکه وصیت کرده باشد، که در این صورت می توان مقدار اضافی را از ثلث حساب کرد.

مسألة ۵۴۴ - مقدار واجب کفن و هزینه واجبات دیگر مانند غسل و حنوط و دفن را از اصل مال بر می دارند، و احتیاجی به وصیت ندارد و اگر میت مالی نداشته باشد، از بیت‌المال می دهند.

مسألة ۵۴۵ - کفن زن بر عهده شوهر است، هر چند از خودش مال داشته باشد و زنی که طلاق رجعی گرفته هرگاه پیش از تمام شدن عده بمیرد، کفن او نیز بر شوهر است.

مسألة ۵۴۶ - هرگاه میت مالی نداشته باشد، بر خورشاونندان او واجب نیست کفن او را بپردازند، هر چند واجب النفقه آنها باشد، ولی اگر راه دیگری نباشد احتیاط واجب آن است که شخصی که میت واجب النفقه اوست کفن او را بدهد.

مسألة ۵۴۷ - احتیاط واجب آن است که هر یک از سه پارچه کفن به قدری ضخیم باشد که زیر آن پیدا نباشد.

مسألة ۵۴۸ - کفن کردن با پارچه غصبی جایز نیست، هر چند چیز دیگری پیدا نشود و چنانچه با پارچه غصبی کفن کرده باشند و صاحب آن راضی نشود، باید از تنش بیرون آورند، اگر چه او را دفن کرده باشند و این بر عهده کسی است که این کار را کرده و نیز کفن کردن با پوست مردار و چیز نجس، جایز نیست، و احتیاط واجب آن است که با پارچه ابریشمی خالص، یا پارچه طلا بافت و پارچه‌ای که از پشم و موی حیوان حرام گوشت

گرفته شده باشد کفن نکنند، مگر اینکه ناچار باشند.

مسألة ۵۴۹ - کفن کردن در پوست حیوانات هر چند حلال گوشت باشد در غیر حال ضرورت اشکال دارد، ولی کفن کردن با پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حلال گوشت تهیه شده اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است.

مسألة ۵۵۰ - اگر کفن به نجاستی از خارج، یا از خود میت نجس شود باید آن را بشویند، یا اگر کفن ضایع نمی‌شود قسمت نجس را ببرند و اگر ممکن نیست، چنانچه بتوانند آن را عوض کنند.

مسألة ۵۵۱ - کسی که برای حج یا عمره احرام بسته اگر از دنیا برود باید او را مثل دیگران کف کنند و پوشاندن سر و صورت او اشکال ندارد.

### احکام جنوط

مسألة ۵۵۲ - بعد از تمام شدن غسل، واجب است میت را «جنوطه» کنند، یعنی به محل‌های هفتگانه سجده (پیشانی، کف دستها، سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها) کافور بمالند و احتیاط آن است مقداری از کافور روی این اعضا بگذارند و باید کافور، پاک و مباح و تازه باشد، به طوری که عطر معمولی خود را حفظ کند.

مسألة ۵۵۳ - احتیاط آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند، بعد به اعضای دیگر و این کار قبل از کفن کردن، یا در اثنای آن باشد، نه بعد از آن.

مسألة ۵۵۴ - کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است اگر از دنیا برود جنوط و هیچ بوی خوش دیگری برای او جایز نیست.

مسألة ۵۵۵ - زنی که شوهرش مرده و هنوز در عده وفات است حرام است خود را خوشبو کند، ولی اگر بمیرد جنوط او واجب است.

مسألة ۵۵۶ - احتیاط آن است که میت را با مشک و عنبر و عطرهاى دیگر خوشبو نکنند، حتی برای جنوط، اینها را با کافور مخلوط نمایند.

مسألة ۵۵۷ - اگر کافور به اندازه «غسل» و «جنوطه» نباشد بنابر احتیاط واجب غسل را مقدم دارند و اگر برای هفت عضو نرسد پیشانی را مقدم دارند.

مسألة ۵۵۸ - شایسته است قدری تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را با کافور مخلوط کنند،

اما به قدری زیاد نباشد که آن را کافور نگویند.

**مسألة ۵۵۹ -** مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند، خواه داخل کفن باشد یا بیرون آن.

### نماز میت

**مسألة ۵۶۰ -** واجب است بر هر میت مسلمان و بالغ نماز بخوانند بر بچه نابالغ اگر کمتر از شش سال نداشته باشد نیز احتیاط واجب آن است که نماز بخوانند.

**مسألة ۵۶۱ -** نماز میت باید بعد از غسل و جنوط و کفن کردن خوانده شود و اگر پیش از اینها، یا در بین اینها بخوانند باطل است، هر چند از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد.

**مسألة ۵۶۲ -** در نماز میت، وضو و غسل یا تیمم و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که تمام اموری را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کنند.

**مسألة ۵۶۳ -** واجب است نماز میت را رو به قبله بخوانند و نیز احتیاط واجب آن است که میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نمازگزار باشد.

**مسألة ۵۶۴ -** مکان نمازگزار باید از جای میت پست تر و بلندتر نباشد، ولی مختصر پستی و بلندی اشکال ندارد، همچنین نمازگزار نباید از میت دور بایستد، ولی کسانی که به جماعت می خوانند اگر دور باشند و به صف اتصال داشته باشند اشکالی ندارد.

**مسألة ۵۶۵ -** نمازگزار باید در مقابل میت بایستد و پرده و دیواری حائل نباشد، ولی گذاردن میت در تابوت و مانند آن اشکال ندارد.

**مسألة ۵۶۶ -** نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند و در موقع نیت، میت را معین کند مثلاً نیت کند «نماز می خوانم بر این میت قریة الی الله» و اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند باید نشسته بر او نماز خواند.

**مسألة ۵۶۷ -** هرگاه میت وصیت کرده شخص معینی بر او نماز بخواند، عمل به وصیت او واجب است و لازم نیست از ولی اجازه بگیرد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اجازه بگیرد.

مسأله ۵۶۸ - مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند، بلکه اگر یک نفر چند مرتبه بخواند محل اشکال است، ولی اگر میت اهل علم و فضل و تقوی باشد مکروه نیست.

مسأله ۵۶۹ - هرگاه میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، واجب است با همان ترتیب به قبرش نماز بخوانند.

### دستور نماز میت

مسأله ۵۷۰ - نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ وَ اگر زن است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ وَ بعد تکبیر پنجم را بگوید و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَّةً لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ وَ بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَسِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهُدَاءِ وَ الصُّدُوقِ وَ جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ السُّلَمِيِّينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُحِيبُ الدُّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرٌ مَّنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِيهِ وَ إِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَ أَرْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ بعد، تکبیر پنجم را بگوید ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید: اللَّهُمَّ أَنْ قَدَرْتِ أُمَّتَكَ وَ ابْنَتَهُ عَبْدِكَ وَ ابْنَتَهُ أُمَّتِكَ نَزَلْتَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرٌ مَّنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ أَرْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ اگر نماز بر چند نفر مرد بخواند،

می گوید: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا إِيمَانُكَ تَزَلُّوا بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ ...** و بقیه ضمیرها را جمع مذکر می آورد. و در مورد چند زن ضمیرها و اسماء اشاره را به صورت مؤنث می آورد و در تشبیه به صورت تشبیه.

**مسألة ۵۷۱ -** باید تکبیرها و دعا را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود و احتیاط واجب آن است که در وسط نماز با کسی سخن نگویند.

**مسألة ۵۷۲ -** مستحب است نماز میت را با جماعت بخوانند، ولی کسی که نماز میت را با جماعت بخواند باید تمام تکبیرها و دعاهای آن را بخواند و همانگونه که گفته شد خواندن دعاهای مفصل بالا مستحب است و اگر کسی آن را حفظ ندارد، می توان از روی کتاب بخواند.

### مستحبات نماز میت

**مسألة ۵۷۳ -** مستحب است کسی که نماز میت می خواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط آن است در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد، یا اگر وضو بگیرد و غسل کند، به نماز میت نرسد، علاوه بر این مستحب است امور دیگری را به امید ثواب پروردگار در نماز میت رعایت کند: اول اگر میت مرد است امام جماعت یا کسی که فرادی بر او نماز می خواند مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است مقابل سینه اش دوم پابرنه نماز بخواند سوم در هر تکبیر دستها را بلند کند چهارم فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر یاد لبایش را حرکت دهد، به جنازه برسد پنجم اگر نماز را با جماعت می خوانند، آهسته بخوانند ششم نمازگزار برای میت و مؤمنین زیاد دعا کند هفتم قبل از نماز سه مرتبه بگوید: «**الصَّلَاةُ**» هشتم نماز را در جایی بخواند که عده بیشتری برای نماز میت حاضر می شوند نهم بهتر است نماز میت را در مسجد بخوانند، مگر در مسجد الحرام دهم زن حائض اگر نماز میت را به جماعت بخواند، در یک صف، تنها بایستد.

### احکام دفن

**مسألة ۵۷۴ -** میت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم به او دسترسی پیدا نکنند و اگر ترس آن باشد که جانور به جسد آسیب رساند باید قبر او را با



آجر و مانند آن محکم کنند.

مسألة ۵۷۵ - هرگاه دفن میت در زمین ممکن نباشد واجب است بجای دفن، او را در بنا، یا تابوتی بگذارند و اطراف آن را ببندند.

مسألة ۵۷۶ - هنگام دفن کردن باید میت را در قبر به پهلو راست بخوابانند به طوری که رو به قبله باشد.

مسألة ۵۷۷ - هرگاه کسی در کشتی بمیرد چنانچه بدن او فاسد نمی شود و بودنش در کشتی مانعی ندارد باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن نمایند و گرنه باید او را غسل دهند و حنوط و کفن کنند و نماز بخوانند بعداً او را در چیزی که حیوانات آبی نتوانند به بدن او دست یابند بگذارند و در آن را محکم کنند و به دریا بیندازند و اگر این هم ممکن نشود چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیفکنند و واجب است او را تا ممکن است در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات دریا نشود.

مسألة ۵۷۸ - هرگاه خوف این باشد که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و یا به آن آسیب رساند، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسأله پیش گفته شد او را به دریا بیندازند.

مسألة ۵۷۹ - مخارج محکم کردن قبر میت در جایی که لازم است و همچنین هزینه انداختن در دریا را باید از اصل مال میت بردارند.

مسألة ۵۸۰ - اگر زن کافری از دنیا برود و بچه در شکم او نیز بمیرد، چنانچه پدر آن بچه مسلمان باشد باید زن را در قبر به پهلو چپ پشت به قبله بخوابانند تا روی بچه به طرف قبله باشد، حتی اگر هنوز روح به بدن بچه داخل نشده باشد (یعنی هنوز حس و حرکت پیدا نکرده است) بنا بر احتیاط واجب به همین دستور عمل کنند.

مسألة ۵۸۱ - دفن مسلمان در قبرستان غیر مسلمان و دفن کافر در قبرستان مسلمان جایز نیست بنا بر احتیاط واجب، همچنین دفن مسلمان در جایی که نسبت به او بی احترامی باشد حرام است، مانند جایی که خاکروبه و کثافت می ریزند.

مسألة ۵۸۲ - میت را نباید در جای غمیبی دفن کنند و همچنین در جایی که برای دفن وقف نشده است (مانند مساجد و مدارس دینی) مگر اینکه از اول جایی را برای دفن در نظر بگیرند و از وقف مستثنی کنند.

مسألة ۵۸۳ - دفن میت در قبر مرده دیگر در صورتی که موجب نبش نشود (یعنی بدن مرده قبلی ظاهر نگردد) و زمین هم مباح یا وقف عام باشد مانعی ندارد.

مسألة ۵۸۴ - بنا بر احتیاط واجب چیزی که از میت جدا می شود اگرچه مو یا ناخن و دندان بوده باشد باید با او دفن گردد، ولی به صورتی که موجب نبش نشود، اما دفن ناخن و دندانی که در حال حیات از انسان جدا می شود واجب نیست، هر چند بهتر است.

مسألة ۵۸۵ - هرگاه کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و در صورتی که چاه مال غیر باشد، باید به نحوی او را راضی کنند.

مسألة ۵۸۶ - هرگاه بچه ای در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه ممکن او را بیرون آورند حتی اگر ناچار شوند او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد، این کار باید در درجه اول به وسیله شوهرش اگر اهل فن است و در درجه بعد زنی که اهل فن باشد انجام شود و اگر ممکن نیست، از مرد محرمی که اهل فن است استفاده کنند و در غیر این صورت، ناچار باید از مرد نامحرمی که اهل فن است کمک بگیرند.

مسألة ۵۸۷ - هرگاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد باید فوراً بچه را بوسیله کسانی که در ماله پیش اشاره شد از هر طرفی که سالم بیرون می آید بیرون آورند و دوباره شکم او را بدوزند و حتی الامکان باید این کار زیر نظر اهل فن انجام گیرد و اگر اهل فن نباشد، پهلوی چپ را می شکافند و بچه را فوراً بیرون می آورند.

### مستحبات دفن

مسألة ۵۸۸ - مستحب است به امید اینکه مطلوب پروردگار باشد امور زیر را در دفن میت رعایت کنند:

- ۱ - قبر را به اندازه انسان متوسط گود کنند.
- ۲ - میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آنکه قبرستان دورتر، از جهتی بهتر باشد، مثل اینکه افراد خوب در آنجا دفن شده اند، یا مردم برای فاتحه بیشتر به آنجا می روند.

- ۳ - هنگام دفن، جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه، کم کم نزدیک ببرند و در مرتبه چهارم وارد قبر کنند.
- ۴ - اگر میت مرد است او را از طرف سر وارد قبر کنند و اگر زن است از طرف عرض بدن و به هنگام وارد کردن او پارچه‌ای روی قبر بگیرند.
- ۵ - جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و با آرامی وارد قبر کنند، و دعاهایی که دستور داده شده پیش از دفن و موقع دفن بخوانند.
- ۶ - قبر لحد داشته باشد، یعنی آن را طوری بسازند که خاک روی بدن میت نریزد، به این ترتیب که قسمت پایین قبر را باریکتر کنند و بعد از گذاشتن میت در قبر، بالای آن خشت یا آجر بچینند و با طرف قبله قبر را کمی از پایین توسعه دهند به اندازه‌ای که میت در آن فرار بگیرد.
- ۷ - پشت سر میت مقداری خاک یا خشت بگذارند که وقتی او را به طرف راست می‌خواه‌باندند به عقب برنگردد.
- ۸ - بعد از گذاشتن در قبر، گره کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او قرار دهند.
- ۹ - کسی که میت را در قبر می‌گذارد با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و غیر از خویشان میت، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و اگر میت زن است کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد و اگر محرم نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند.
- ۱۰ - پیش از آنکه *الحد* را بپوشانند دست راست به شانه میت بزنند و او را حرکت دهند و سه مرتبه بگویند:
- إِسْمِعْ إِيَّاهُمْ يَا فُلَانُ ابْنَ فُلَانٍ (و به جای فلان ابن فلان اسم میت و پدرش را ببرند) مثلاً سه مرتبه بگویند: «إِسْمِعْ إِيَّاهُمْ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ» سپس به ترتیب زیر او را به عقاید حقه اسلامی تلقین دهند و بگویند:
- «هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي قَارَرْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَرَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَحْيِيِّينَ وَ إِمَامَ إِنْفَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ . وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدًا

بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنَ مُحَمَّدٍ  
 الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْعِجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِنَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ  
 حَمِيمِينَ، وَ أَنْتُكَ أَئِنَّهُ هُدَى أَبْرَارٍ - يا فلانَ بْنَ فلانٍ ( و به جای فلان بن فلان ، اسم میت و  
 پدرش را بگویند ) و بعد بگویند: إِذَا أَتَاكَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ  
 سَلَكَ عَنْ رَيْبِكَ وَ عَنْ نَيْبِكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قَلْبِكَ وَ عَنْ أَيْتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ لَا  
 زَنْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: اللَّهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيُّيَ وَ الْإِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي  
 الْكَلِمَةُ قَلْبِي وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ إِمَامِي وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ  
 عَلِيٍّ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْعَبِيدِينَ إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ إِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَ  
 مُوسَى كَافِلُهُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الرُّضَا إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ السَّهَادِي إِمَامِي وَ الْحَسَنُ  
 الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَ الْحُجَّةُ السِّتْرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ  
 شُعَائِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرُّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فلانَ بْنَ فلانٍ ( و به جای فلان  
 بن فلان ، اسم میت و پدرش را بگویند ) بعد بگویند: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنْ  
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَ أَنْ عَلِيًّا بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ الْمَنْصُومِينَ الْأئِمَّةَ الْإِثْنَيْ عَشَرَ  
 نِعَمَ الْأئِمَّةِ وَ أَنْ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ وَ أَنْ التَّوْبَةَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُتَكْرٍ وَ تَكْبِيرَ فِي  
 الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النَّسُورَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ أَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ  
 النَّارَ حَقٌّ وَ أَنْ السَّاعَةَ آيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنْ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. پس بگویند: أَفَهَيْتَ يَا فلانَ ( و  
 به جای فلان اسم میت را بگویند ) پس از آن بگویند: بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَعْرَفٍ مِنْ رَحْمَتِي.  
 پس بگویند: اللَّهُمَّ جَانِبِ الْأَرْضِ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ أَضَعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَ لَقِّهِ بِنِكَ بِرَهَانَا اللَّهُمَّ عَفْوُكَ  
 عَفْوُكَ».

۱۱ - قبر را به صورت مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و  
 نشانه‌ای روی آن بگذارند که شناخته شود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب،  
 کسانی که حاضرند دستها را بر قبر گذارند و انگشتها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت  
 مرتبه سوره «انا انزلناه» بخوانند و برای میت طلب آموزش کنند.

۱۲ - این دعا را بعد از آن بخوانند «اللَّهُمَّ جَانِبِ الْأَرْضِ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ أَضَعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ بِنِكَ  
 رِضْوَانًا وَ أَشْكِنُ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَتِي مَنْ سِوَاكَ».

مسألة ۵۸۹ - مستحب است صاحبان عزا را تسلیت گویند، اما اگر مدتی گذشته است و

خاطره مصیبت فراموش شده و به واسطه تسلیت مصیبت یادشان می آید ترک آن بهتر است و نیز شایسته است تا سه روز برای اهل خانه میت که عزادارند غذا بفرستند.

مسأله ۵۹۰ - سزاوار است انسان در مرگ خوبشاونندان، مخصوصاً در مرگ فرزند شکیبایی را از دست ندهد و هر وقت میت را یاد می کند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگویند و برای میت قرآن بخواند و طلب آموزش کند.

مسأله ۵۹۱ - جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را بخرشد و به خود لطمه بزند و پاره کردن بقیه در مرگ غیر پدر و برادر نیز، جایز نیست.

مسأله ۵۹۲ - هرگاه مرد در مرگ زن یا فرزند، لباس خود را پاره کند یا زن در عزای میت صورت خود را بخرشد به طوری که خون بیاید، یا موی خود را بکشد، بنا بر احتیاط واجب باید مانند کفاره قسم را بدهد، یعنی یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند، بلکه اگر خون هم نیاید به این دستور عمل نماید.

مسأله ۵۹۳ - احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند و فریاد نکنند.

### نماز وحشت

مسأله ۵۹۴ - مستحب است به امید اینکه مطلوب پروردگار باشد در شب اول قبر دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانند، به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه «آیة الکرسی» و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه «انزلنا» بخواند و بعد از سلام نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاتَّقِ قَوَائِمَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ» (و به جای فلان، اسم میت را بگوید).

مسأله ۵۹۵ - «نماز وحشت» را در هر موقع از شب اول قبر می تواند بجا آورد، ولی مناسب تر در اول شب بعد از نماز عشا است.

مسأله ۵۹۶ - اگر دفن میت به هلتی به تأخیر بیفتد باید نماز وحشت را تا شب اول دفن او تأخیر بیندازد.

### احکام نبش قبر

مسألة ۵۹۷ - نبش قبر مسلمان یعنی شکافتن قبر او حرام است، هر چند طفل یا دهبوانه اشد و منظور از نبش قبر آن است که آن را طوری بشکافتند که آثار بدن میت ظاهر شود و اگر بدن ظاهر نشود اشکال ندارد، مگر اینکه موجب هتک و بی احترامی باشد.

مسألة ۵۹۸ - اگر یقین داشته باشد بدن به کلی از بین رفته و خاک شده است شکافتن قبر نکالی ندارد، مگر در قبور امامزاده‌ها و شهدا و علما و صلحا که اگر سالها بر آن بگذرد نیز نبش قبر آنها جایز نیست.

مسألة ۵۹۹ - نبش قبر در چند مورد حرام نیست:

۱ - در صورتی که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود، همچنین اگر کفن یا چیزی دیگری که با میت دفن شده غصبی باشند، یا چیزی از اموال میت که به ورثه تعلق دارد با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند (مانند انگشتر یا زینت آلات قیمتی) حتی اگر راضی و ماندن آن در قبر اسراف باشد باید آن را بیرون آورند، اما اگر میت وصیت کرده که دها یا انگشتری را مثلاً با او دفن کنند در صورتی که وصیت او پیش از ثلث نباشد و اسراف محسوب نشود نمی‌توانند قبر را بشکافتند.

۲ - در صورتی که برای اثبات شدن حقی لازم باشد بدن میت را ببینند.

۳ - در موردی که میت را در جایی دفن کرده‌اند که نسبت به او بی احترامی است، مانند قبرستان کفار، یا جایی که کثافات می‌ریزند.

۴ - برای انجام یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، مثل اینکه بخواهد بچه زنده‌ای را از شکم زن حامله بیرون آورند (البته معلوم است بچه مدت کمی بعد از مادر ممکن است زنده بماند).

۵ - در جایی که بترسد درنده‌ای به بدن میت آسیب برساند، یا دشمن آن را بیرون آورد.

۶ - در موردی که قسمتی از بدن میت یا او دفن نشده و بخواهند دفن کنند، ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت را طوری دفن کنند که بدن میت ظاهر نشود.

مسألة ۶۰۰ - هرگاه کسی وصیت کند بدن او را در جایی معینی دفن کنند و به وصیت او عمل نکنند و در جای دیگری دفن شود جایز نیست قبر او را نبش کنند و به جای مورد

وصیت انتقال دهند.

- مسألة ۶۰۱ - هرگاه کسی وصیت کند که بعد از دفن، قبر او را نیش کرده و بدن او را به مشاهده مشرفه یا نقطه دیگر ببرند عمل به چنین وصیتی مشکل است.
- مسألة ۶۰۲ - تأخیر دفن میت در صورتی که موجب هتک و توهین او باشد جایز نیست.

### احکام شهید

مسألة ۶۰۳ - غسل دادن میت مسلمان و کفن کردن او - چنان که گفته شد - واجب است ولی دو طایفه از این حکم مستثنی هستند:

اول شهیدان راه خداه یا کسانی که در میدان جهاد در راه اسلام، همراه پیامبر ﷺ یا امام معصوم علیه السلام یا نایب خاص او کشته شده‌اند، همچنین کسانی که در حال غیبت امام زمان - ارواحنا فداه - برای دفاع در برابر دشمنان اسلام کشته می‌شوند، خواه مرد باشند، یا زن، بزرگ باشند و یا کودک، در این گونه موارد غسل و کفن و حنوط واجب نیست، بلکه باید آنها را با همان لباسهایشان بعد از خواندن نماز دفن کنند.

مسألة ۶۰۴ - حکم مسألة سابق دربارہ کسانی است که در میدان جنگ کشته شده باشند، یعنی پیش از آنکه مسلمانان به او برسند جان داده است اما اگر به او برسند و زنده باشد، یا به صورت مجروح او را از میدان جنگ خارج سازند و در بیمارستان یا غیر آن از دنیا برود، گرچه ثواب شهیدان را دارد ولی حکم فوق شامل حال آنها نمی‌شود.

مسألة ۶۰۵ - در جنگهای امروز که میدانهای جنگ وسعت دارد و گاه کیلومترها یا فرسخها مسافت را در بر می‌گیرد و گلوله‌های دشمن و مانند آن تا مسافت زیادی می‌رسد، تمام این صحنه که مرکز تجمع سربازان است میدان جنگ محسوب می‌شود ولی اگر دشمن بوسیله بمباران افرادی را دور از جبهه‌های جنگ به قتل برساند احکام بالا را در مورد آنها جاری نیست.

مسألة ۶۰۶ - هرگاه به علتی شهید برهنه شده باشد باید او را کفن کنند و بدون غسل دفن نمایند.

مسألة ۶۰۷ - دوم کسانی که قتل آنها به عنوان قصاص یا حد شرعی واجب شده است و حاکم شرع به آنها دستور می‌دهد مراسم غسل میت را خودشان در حال حیات انجام دهند

و سه غسل را طبق دستوری که قبلاً گذشت بجا آورده، سپس دو قسمت از قسمتهای سه گانه کفن را یعنی لنگ و پیراهن را می‌پوشند و مانند میت حنوط می‌کنند و بعد از کشته شدن، قطعه سوم بر آنها می‌پوشانند و نماز بر آنها می‌خوانند و به همان حال آنها را دفن می‌کنند و لازم نیست خون را از بدن و کفن آنها بشویند، حتی اگر بر اثر ترس و وحشت خود را نجس کنند، تکرار غسل لازم نیست.

### غسلهای مستحب

مسئله ۶۰۸ - غسلهای مستحب در شرع اسلام بسیار فراوان است و از جمله ، غسلهای زیر است:

۱ - غسل جمعه که از مهمترین و مؤکدترین غسلهای مستحب محسوب می‌شود و بهتر است که حتی الامکان آن را ترک نکنند، وقت آن از اذان صبح روز جمعه است تا ظهر و اگر تا ظهر انجام نشود احتیاط آن است که بدون نیت ادا و قضا و به قصد ما فی الذمه تا عصر جمعه بجا آورند، و اگر در روز جمعه غسل نکنند مستحب است از صبح شنبه تا غروب ، قضای آن را بجا آورند و کسی که می‌ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند می‌تواند روز پنجشنبه غسل را به نیت مقدم داشتن انجام دهد.

۲ - غسل شبهای ماه مبارک رمضان و آن عبارت است از غسل شب اول ماه و تمام شبهای طاق (مانند شب سوم و پنجم و...) و از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کنند، وقت این غسلها تمام شب است، هر چند بهتر آن است که همراه غروب آفتاب بجا آورند، ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه میان نماز مغرب و عشا انجام دهند و احتیاط آن است که تمام غسلهای ماه مبارک و غلهایی را که در مسائل آینده می‌آید به قصد رجاء یعنی به امید مطلوبیت پروردگار بجا آورند.

۳ - غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح عید است تا غروب و بهتر است آن را پیش از نماز عید بجا آورند.

۴ - غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب تا اذان صبح و بهتر است در اول شب بجا آورند.

۵ - غسل روز هشتم و نهم ذی الحجه که روز «ترویه» و روز «عرفه» نام دارد.



- ۶ - غسل روز اول و نیمه ماه رجب و بیست و هفتم (روز مبعث) و آخر ماه رجب.
- ۷ - غسل روز هیجدهم ذی الحججه (عید غدیر).
- ۸ - غسل روز پانزدهم شعبان (میلاد ولی عصر عجل الله تعالی فرجه) و هفدهم ربیع الاول (میلاد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله) و غسل روز عید نوروز.
- ۹ - غسل بچه‌ای که نازه بدنیا آمده است.
- ۱۰ - غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده و غسل کسی که در حال متی خوابیده است.
- ۱۱ - غسل کسی که به تماشای کسی که به دار آویخته‌اند رفته و آن را دیده است اما اگر تصادفاً نگاهش بر او بیفتد یا برای مطلب لازمی مانند شهادت دادن رفته باشد غسل ندارد.
- ۱۲ - غسل توبه یعنی هرگاه بعد از ارتکاب گناهی توبه کند غسل بجا می‌آورد.
- مسئله ۶۰۹ - برای وارد شدن در مکانهای مقدس نیز غسل کردن به امید ثواب پروردگار مستحب است، از جمله قبل از داخل شدن در مکه، یا بعد از ورود مکه برای داخل شدن در مسجد الحرام و همچنین برای دخول در شهر مدینه و سپس داخل شدن در مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین حرم امامان - علیهم السلام - و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود یک غسل کافی است و اگر کسی می‌خواهد در یک روز داخل مکه شود و به مسجد الحرام رود، یا داخل شهر مدینه شود و به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله برود یک غسل به نیت همه کفایت می‌کند. همچنین مستحب است غسل برای زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امامان از دور یا نزدیک و برای نشاط عبادت و رفتن به سفر به قصد رجاء.
- مسئله ۶۱۰ - انسان نمی‌تواند با غسلی که به امید مطلوب بودن بجا آورده نماز بخواند بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد، ولی با غسلهایی که مستحب بودن آن قطعی است مانند جمعه می‌توان نماز خواند.
- مسئله ۶۱۱ - هرگاه چند غسل مستحبی، یا چند غسل که بعضی مستحب است و بعضی واجب و یا چند غسل واجب بر کسی باشد می‌تواند یک غسل به نیت همه آنها بجا آورد.

## احکام تیمم

### موارد تیمم

- مسألة ۶۱۲ -** در هفت مورد باید بجای وضو یا غسل تیمم کرد: اول در جایی که تهیه آب به اندازه وضو یا غسل ممکن نیست.
- مسألة ۶۱۳ -** هرگاه انسان در شهر و آبادی باشد و آب پیدا نکند باید آنقدر جستجو نماید تا از پیدا کردن آب مأیوس شود، اما اگر در بیابان است چنانچه کوهستانی و یا زمین پست و بلند است یا به واسطه درخت و مانند آن عبور از آن مشکل می باشد باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر که در قدیم با کمان پرتاب می کردند به جستجوی آب رود<sup>(۱)</sup> و اگر زمین هموار و بی مانع است باید در هر طرف به اندازه مسافت دو تیر جستجو کند، ولی هر طرفی که بقیه دارد آب نیست جستجو لازم ندارد و هرگاه بعضی از چهار طرف هموار و بعضی پست و بلند است باید در هر طرف طبق دستور خودش عمل نماید.
- مسألة ۶۱۴ -** هرگاه اطمینان دارد که آب در محلی دورتر از این مقدار موجود است و وقت نماز نیز تنگ نشده، باید به سراغ آن برود مگر اینکه مشقت فوق العاده‌ای داشته باشد، ولی اگر احتمال دهد یا گمان داشته باشد که آب در فاصله دورتر است جستجو لازم نیست.
- مسألة ۶۱۵ -** انسان می تواند شخص دیگری را که مورد اطمینان اوست به جستجوی آب بفرستد و نیز اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است.
- مسألة ۶۱۶ -** هرگاه قبل از وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند چنانچه تا وقت نماز در همانجا بماند لازم نیست دوباره به جستجوی آب برود مگر اینکه تغییری در اوضاع محل پیدا شده باشد و همچنین اگر برای یک نماز جستجو کند برای نمازهای دیگر تا تغییری پیدا نشده جستجو لازم نیست.
- مسألة ۶۱۷ -** هرگاه وقت نماز تنگ است و اگر جستجوی آب کند وقت می گذرد و یا

۱- مرحوم علامه مجلسی در شرح «من لا یحضره الفقیه» مقدار پرتاب تیر را دو دست گام معین کرده است و ظاهر این است که نیرانداز متعارف از این مقدار تجاوز نمی کند.

خطری وجود دارد، جستجو لازم نیست، ولی اگر بتواند مقداری جستجو کند همان مقدار لازم است.

مسألة ۶۱۸ - اگر عمداً به جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود گناه کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است.

مسألة ۶۱۹ - کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند و به جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد نمازش باطل است، همچنین اگر بعد از جستجو، تیمم کرده و نماز خوانده و بعداً بفهمد آب در آنجا وجود داشته بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسألة ۶۲۰ - کسی که وضو دارد و می‌داند اگر وضوی خود را باطل کند نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه ضرر یا مشقت فوق‌العاده‌ای ندارد باید وضوی خود را برای نماز نگهدارد، حتی اگر احتمال قابل توجهی بدهد که آب برای وضو پیدا نخواهد کرد و یا اینکه قبل از وقت نماز وضو دارد و می‌داند بعداً دسترسی به آب ندارد، احتیاط واجب آن است که وضوی خود را نگهدارد.

مسألة ۶۲۱ - هرگاه فقط به مقدار وضو یا غسل آب دارد و می‌داند اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد ریختن آن حرام است و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم این کار را نکند، همچنین اگر احتمال عقلایی می‌دهد که اگر آب را بریزد آب دیگری به دستش نمی‌رسد احتیاط واجب آن است که آب را نگهدارد و در تمام این صورتها اگر آب را بریزد کار خلافی کرده اما نماز او با تیمم صحیح است.

### دوم از موارد تیمم

مسألة ۶۲۲ - هرگاه آب در چاه باشد و بواسطه عدم توانائی یا نداشتن وسیله، دسترسی به آب ندارد، باید تیمم کند و همچنین اگر مشقت فوق‌العاده داشته باشد که عادتاً مردم آن را تحمل نمی‌کنند.

مسألة ۶۲۳ - اگر برای بیرون آوردن آب از چاه وسایلی لازم است باید تهیه کند، یا کرایه نماید، هر چند به چند برابر قیمت معمول باشد، اما اگر تهیه وسایل یا خریدن خود آب وضو آنقدر هزینه می‌خواهد که نسبت به حال او ضرر دارد واجب نیست.

مسألة ۶۲۴ - هرگاه ناچار شود برای تهیه آب قرض کند واجب است قرض نماید، اما اگر می داند یا گمان دارد توانایی ادای آن دین را ندارد واجب نیست قرض کند و اگر کسی مقداری آب بدون منت فوق العاده ای به او ببخشد باید قبول کند.

#### سوم از موارد تیمم

مسألة ۶۲۵ - هرگاه آب دارد ولی می ترسد اگر وضو بگیرد بیمار شود یا بیماری او به طول انجامد، یا شدت کند، یا معالجه آن سخت شود، در تمام این موارد باید تیمم کند. ولی اگر مثلاً آب گرم برای او ضرر ندارد باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند و لازم نیست یقین به ضرر داشته باشد همین اندازه که خوف ضرر داشته باشد کافی است که وضو نگیرد و تیمم کند.

مسألة ۶۲۶ - کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد اگر بتواند اطراف چشم را بشوید باید وضو بگیرد و الا تیمم کند.

مسألة ۶۲۷ - کسی که می داند آب برای او ضرر دارد هرگاه تیمم کند و بعداً بفهمد آب برای او ضرر نداشته تیمم او باطل است و اگر نماز با آن خوانده، بنا بر احتیاط واجب اعاده کند و به عکس اگر یقین داشت آب برای او ضرر ندارد و وضو گرفت و غسل کرد بعد فهمید آب برای او ضرر دارد احتیاط واجب آن است که تیمم کند و اگر نماز خواند اعاده نماید.

#### چهارم از موارد تیمم

مسألة ۶۲۸ - هرگاه به مقدار کافی آب دارد اما اگر آن را به مصرف وضو یا غسل برساند می ترسد خودش یا فرزندان یا دوستان و همراهانش از تشنگی هلاک یا بیمار شوند، یا فوق العاده به زحمت بیفتند، باید تیمم کند و آب را نگهدارد، همچنین اگر انسان غیر مسلمانی جان او در خطر باشد باید آب را به او بدهد و تیمم نماید، درباره حیوان نیز همین حکم جاری است.

مسألة ۶۲۹ - هرگاه غیر از آب پاک، آب نجسی هم به مقدار آشامیدن دارد، از آب نجس نمی تواند استفاده کند، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و برای نماز تیمم کند، ولی

دادن آب نجس به حیوان اشکالی ندارد.

#### پنجم از موارد تیمم

مسئله ۶۳۰ - کسی که آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد و یا غسل کند برای تطهیر بدن یا لباس او چیزی نمی ماند باید نخست بدن و لباس را آب بکشد، بعد تیمم کند و نماز بخواند، اما اگر چیزی که بر آن تیمم کند ندارد باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

#### ششم از موارد تیمم

مسئله ۶۳۱ - هرگاه آب یا ظرفش غصبی است، یا از طلا و نقره است و آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو یا غسل، تیمم کند.

#### هفتم از موارد تیمم

مسئله ۶۳۲ - در تنگی وقت که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند همه نماز یا مقداری از آن خارج از وقت واقع می شود باید تیمم کند.

مسئله ۶۳۳ - هرگاه کسی که عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است، هر چند احتیاطاً مستحب آن است که قضای آن را نیز بجا آورد.

مسئله ۶۳۴ - کسی که نمی داند وقت تنگ شده یا نه، باید وضو بگیرد یا غسل کند، ولی اگر می داند مقدار کمی وقت دارد اما می ترسد اگر سراغ وضو یا غسل برود به نماز نرسد باید تیمم کند.

مسئله ۶۳۵ - هرگاه کسی به واسطه تنگی وقت تیمم کرده و مشغول نماز است و در بین نماز آبی که داشته از دست برود برای نمازهای بعد می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

مسئله ۶۳۶ - هرگاه بتواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون مستحبات (مانند اقامه و قنوت) بجا آورد باید چنین کند حتی اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد می تواند آن را ترک نماید و با وضو نماز بخواند.

### بر چه چیزهایی توان تیمم کرد؟

مسألة ۶۳۷ - تیمم بر چند چیز جایز است: خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده) و سنگ، به شرط اینکه پاک باشند و مختصر غباری لااقل بر آنها باشد.

مسألة ۶۳۸ - تیمم بر سنگ آهک و سنگ گچ و سنگ مرمر و سنگ سیاه و مانند آن جایز است، ولی تیمم بر جواهرات مانند سنگ عقیق و فیروزه باطل است و احتیاط واجب آن است که بر گچ و آهک پخته و همچنین بر آجر و سفال تیمم نکند.

مسألة ۶۳۹ - هرگاه چیزهایی که در مسألة سابق گفتیم پیدا نشود، باید برگرد و غباری که روی لباس و مانند آن است تیمم کند و چنانچه غبار پیدا نشود باید برگل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود احتیاط واجب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بعداً قضای آن را نیز بجا آورد و چنین کسی را «فائد الظهورین» نامند.

مسألة ۶۴۰ - کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو یا غسل بجا آورد.

مسألة ۶۴۱ - اگر گاه با اشیاء دیگری با خاک و ریگ مخلوط شود تیمم بر آن جایز نیست، ولی اگر آنقدر کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود تیمم بر آن مانعی ندارد.

مسألة ۶۴۲ - هرگاه خاک و مانند آن برای تیمم ندارد اما می تواند خریداری کند واجب است اقدام نماید.

مسألة ۶۴۳ - تیمم بر دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با وجود زمین یا خاک خشک بر زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

مسألة ۶۴۴ - چیزی که بر آن تیمم می کند بنا بر احتیاط واجب باید غصبی نباشد، اما اگر نداند غصبی است و یا فراموش کرده باشد تیمم او صحیح است، مگر آنکه خودش آن را غصب کرده باشد.

مسألة ۶۴۵ - کسی که در جای غصبی زندانی است می تواند بر خاک یا سنگ آن تیمم نماید و نماز بخواند.

مسألة ۶۴۶ - همانگونه که اشاره شد واجب است تا آنجا که امکان دارد چیزی که بر آن تیمم می کند گردی داشته باشد که بر دست بماند و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد و خاک اضافی آن بریزد.

مسألة ۶۴۷ - بهتر است از تیمم بر زمینهای آلوده، زمین گود، کنار جاده‌ها و زمین شوره زار در صورتی که نمک روی آن نگرفته باشد خودداری کند و اگر نمک روی آن را گرفته است باطل است و اگر طوری خاک آلود است که بیم بیماری از تیمم بر آن می‌رود، باید بنا بر احتیاط واجب بدون تیمم نماز بخواند و بعداً قضا کند.

### طریقه تیمم کردن و احکام آن

مسألة ۶۴۸ - برای تیمم باید اول نیت کند، بعد تمام دو کف دست را با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند، سپس هر دو دست را بنا بر احتیاط واجب به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی بکشد و احتیاط واجب آن است که روی ابروها را نیز مسح کند، سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست می‌کشد و بعد از آن کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ.

مسألة ۶۴۹ - تیمم بدل از وضو و بدل از غسل فرقی با هم ندارند، ولی احتیاط مستحب آن است که در تیمم بدل از غسل یک بار دیگر دستها را بر زمین زند و مجدداً با آن پشت دست راست و سپس پشت دست چپ را مسح کند.

مسألة ۶۵۰ - تمام پیشانی و پشت دستها را باید مسح کند و اگر مختصری از آن را مسح نکند تیمم باطل است، خواه عمداً باشد یا از روی فراموشی، ولی دقت زیاد هم لازم نیست، همین اندازه که بگویند تمام پیشانی و پشت دستها مسح شده کافی است.

مسألة ۶۵۱ - برای اینکه یقین کند تمام پیشانی و پشت دستها را مسح کرده باید کمی از اطراف آن را نیز داخل کند، ولی مسح میان انگشتان لازم نیست و احتیاط واجب این است که پیشانی و پشت دستها را از بالا به پایین مسح کند و کارهای تیمم را پشت سر هم بجا آورد و اگر میان آنها به قدری فاصله دهد که صورت تیمم از بین برود باطل است.

مسألة ۶۵۲ - لازم نیست در موقع نیت معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو، همین اندازه که قصد اطاعت امر الهی را دارد کافی است، حتی اگر یکی را بجای دیگری نیت کند اما قصد او اطاعت امر واقعی الهی باشد صحیح است.

مسألة ۶۵۳ - بنا بر احتیاط واجب باید اعضای تیمم و کف دستها پاک باشد، ولی اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد باید با همان وضع تیمم کند.

- مسألة ۶۵۴ -** باید برای تیمم، موانع را از اعضای تیمم بر طرف کند و اگر انگشتری در دست دارد بیرون آورد، همچنین اگر موی پیش سر روی پیشانی افتاده آن را باید کنار زند، حتی اگر احتمال قابل توجهی می دهد که مانعی در کار باشد باید جستجو نماید.
- مسألة ۶۵۵ -** هرگاه پیشانی یا پشت دستها یا کف دستها زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری بر آن بسته است که نمی تواند باز کند، یا ضرر دارد. باید با همان حال تیمم کند.
- مسألة ۶۵۶ -** کسی که خودش توانایی بر تیمم ندارد باید نایب بگیرد، یعنی کسی دستهای او را بر زمین زند، یا اگر ممکن نیست بر زمین بگذارد و بعد با دست خودش او را تیمم دهد، اگر این هم ممکن نباشد باید نایب دست خود را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و بر پیشانی و دستهای او بکشد.
- مسألة ۶۵۷ -** بعد از فراغت از تیمم اگر شک کند که درست انجام داده یا نه، اعتنا نکند و اگر در اثنا شک کند احتیاط واجب آن است که برگردد و قسمت مشکوک را دوباره انجام دهد.
- مسألة ۶۵۸ -** کسی که وظیفه اش تیمم است نباید پیش از وقت نماز تیمم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگر با کار مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذرش باقی باشد می تواند با همان تیمم نماز بخواند.
- مسألة ۶۵۹ -** کسی که وظیفه اش تیمم است اگر بتمین داشته باشد یا احتمال دهد که تا آخر وقت عذرش باقی می ماند می تواند در نوبت وقت با تیمم نماز بخواند، ولی اگر بتمین داشته باشد که تا آخر وقت عذر او بر طرف می شود بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند.
- مسألة ۶۶۰ -** کسی که با تیمم نماز می خواند می تواند نماز فضا را نیز در آن حال با تیمم بخواند، ولی هرگاه بتمین دارد عذر او به زودی بر طرف می شود باید صبر کند، همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر امید بر طرف شدن عذر را به زودی دارد تأخیر اندازد.
- مسألة ۶۶۱ -** کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند جایز است نمازهای مستحبی را با تیمم بخواند، حتی اگر مثلاً برای انجام نماز شب وقت تنگ است می تواند تیمم کند.
- مسألة ۶۶۲ -** کسی که به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند بعد از پیدا شدن آب یا بر طرف شدن عذر، تیمم او خود به خود باطل می شود.
- مسألة ۶۶۳ -** تمام کارهایی که وضو را باطل می کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و



تمام کارهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.  
 مسأله ۶۶۴ - هرگاه چند غسل بر انسان واجب شود و نتواند غسل کند یک تیمم به قصد همه آنها کافی است.

مسأله ۶۶۵ - هرگاه بجای غسل تیمم کند لازم نیست وضو بگیرد، یا تیمم دیگری بدل از وضو کند، خواه غسل جنابت باشد یا غسلهای دیگر، ولی احتیاط مستحب آن است که در غسلهای دیگر وضو بگیرد یا اگر نمی‌تواند تیمم دیگری بدل از وضو کند.

مسأله ۶۶۶ - هرگاه بجای غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد برای نمازهای بعد فقط باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد بجای آن تیمم کند.

مسأله ۶۶۷ - کسی که وظیفه اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند تا تیمم و عذر او باقی است می‌تواند تمام کارهایی را که وضو و غسل در آن شرط است بجا آورد، حتی اگر تیمم را به خاطر تنگی وقت نماز گرفته باشد دست گذاردن روی خط قرآن و مانند آن برای او جایز است.

مسأله ۶۶۸ - نمازهایی را که با تیمم خوانده اعاده و قضا ندارد، ولی در چند مورد احتیاط مستحب آن است که نمازهای خود را اعاده کند: اول در جایی که آب نداشته یا مانع از استعمال آب داشته و عمداً خورد را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است دوم در جایی که عمداً به جستجوی آب نرود و در تنگی وقت با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد سوم آنکه می‌دانسته یا گمان داشته که دسترسی به آب ندارد و آبی را که داشته ریخته و تلف کرده است.

## مسائل نماز

### احکام نماز

نماز رابطه انسان با خدا است و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوی و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است، نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات اگر قبول درگاه خدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد و اگر قبول نگردد اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد. و نیز بر طبق روایات کسی که نمازهای پنجگانه را انجام می دهد از گناهان پاک می شود همانگونه که اگر شبانه روز پنج مرتبه در نهر آبی شستو کند اثری از آلودگی در بدنش باقی نمی ماند، به همین دلیل در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی (علیهم السلام) از مهمترین کارهایی که روی آن تأکید شده همین نماز است و لذا ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود. سزاوار است انسان نماز را در اول وقت بخواند و به آن اهمیت بسیار دهد و از تندخواندن نماز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد جداً پرهیزد.

در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را به طور کامل انجام نمی دهد، فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش اینگونه باشد به دین من از دنیا نخواهد رفت.

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مایه پراکندگی حواس می شود پرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند بسیار کوچک ببیند.

در حالات معصومین (علیهم السلام) آمده است به هنگام نماز آنچنان خرق یاد خدا می شدند که از خود بی خبر می گشتند، تا آنجا که پیکان تیری در پای امیرالمؤمنین علی علیه السلام مانده بود در حال نماز بیرون آوردند و آن حضرت متوجه نشد.

برای قبولی نماز و کمال و فضیلت آن علاوه بر شرایط واجب باید امور زیر را نیز رعایت کند:

قبل از نماز از خطاهای خود توبه و استغفار نماید و از گناهایی که مانع قبول نماز است مانند «حسد» و «تکبر» و «غیبت» و «خوردن مال حرام» و «آشامیدن مسکرات» و «ندادن خمس و زکات» بلکه هر معصیتی بپرهیزد.

همچنین سزاوار است کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می‌کند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سر و صداها و در برابر منظره‌هایی که جلب توجه می‌کند به نماز نایستد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند انجام دهد، لباس پاکیزه بپوشد، موهای خود را شانه زند و مسواک کند و خود را خوشبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند.

### نمازهای واجب

مسأله ۶۶۹ - نمازهای واجب شش نماز است: ۱ - نمازهای یومیه ۲ - نماز طواف واجب خانه خدا ۳ - نماز آیات ۴ - نماز میت ۵ - نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر به شرحی که می‌آید واجب است ۶ - نماز نافلة‌ای که به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است.

### نمازهای واجب یومیه

مسأله ۶۷۰ - نمازهای واجب یومیه پنج نماز است: نمازهای «ظهر» و «عصر» که هر کدام چهار رکعت است، نماز «مغرب» سه رکعت، نماز «عشاء» چهار رکعت و نماز «صبح» دو رکعت، اما در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که بعداً به خواست خدا می‌آید دو رکعت بخواند.

مسأله ۶۷۱ - نماز جمعه دو رکعت است و در روز جمعه جانشین نماز ظهر می‌شود و در زمان حضور پیامبر ﷺ و امام معصوم و تائب خاص او واجب عینی است، اما در زمان غیب کبری واجب تخییری می‌باشد، یعنی میان نماز جمعه و نماز ظهر مخیر است، ولی در زمانی که حکومت عدل اسلامی باشد احتیاط آن است که ترک نشود.

## اوقات نمازهای پنجگانه

### وقت نماز ظهر و عصر

مسألة ۶۷۲ - وقت نماز ظهر و عصر از اول ظهر شرعی (یعنی مایل شدن خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب) تا هنگام غروب آفتاب است و بهترین راه برای پی بردن به دخول وقت ظهر استفاده از شاخص است و آن این است که قطعه چوب صاف یا میله‌ای را در زمین هموار به طور عمودی فرو کند، صبح که خورشید بیرون می‌آید سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا آید این سایه کم می‌شود، هنگامی که سایه به آخرین درجه کمی رسید موقع ظهر است و همین که رو به زیادی گذارد و سایه به سوی مشرق برگشت اول وقت نماز ظهر و عصر است، البته در بعضی از شهرها مثل «مکه» در بعضی از روزهای سال هنگام ظهر سایه به کلی از بین می‌رود و آفتاب کاملاً عمودی می‌تابد، در اینگونه مناطق موقعی که مجدداً سایه پیدا شد وقت نماز ظهر و عصر شده است.<sup>(۱)</sup>

مسألة ۶۷۳ - نمازهای ظهر و عصر هر کدام «وقت مخصوص» و «وقت مشترکی» دارد: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا موقعی که به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن یک نماز به غروب باقی مانده باشد و اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخوانده نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند و ما بین این دو، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است.

مسألة ۶۷۴ - هرگاه پیش از خواندن نماز ظهر سهواً مشغول خواندن نماز عصر شود و در بین متوجه گردد، چنانچه در وقت مشترک باشد باید عدول کند، یعنی نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و قصد کند آنچه خوانده نماز ظهر است و به همین ترتیب آن را ادامه دهد و بعد از آنکه نماز را تمام کرد نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص ظهر باشد نماز او باطل است و باید نماز را به نیت ظهر از سر بگیرد.

۱- باید توجه داشت که ساعت ۱۲ همیشه ظهر شرعی نیست، بلکه در بعضی از مواقع سال ظهر شرعی قبل ۱۲ و گاهی بعد از ساعت ۱۲ است و ساعت ۱۲ ساعت قراردادی و رسمی است، نه شرعی.

### وقت نماز مغرب و عشاء

مسألة ۶۷۵ - مغرب موقعی است که قرص آفتاب در افق پنهان شود و احتیاط آن است که صبر کند تا سرخی طرف مشرقی که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بالای سر بگذرد و به طرف مغرب برگردد، هنگام مغرب وقت نماز مغرب و عشاء وارد می شود و تا نیمه شب ادامه دارد.

مسألة ۶۷۶ - نماز مغرب و عشاء نیز هر کدام وقت مخصوص و وقت مشترکی دارند، وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا به اندازه سه رکعت و اگر کسی مسافر باشد و تمام نماز عشاء را در این وقت بخواند باطل است، هر چند از روی سهر باشد. و وقت مخصوص نماز عشاء موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشاء به نصف شب باقی مانده باشد و اگر کسی عمداً تا این موقع نماز مغرب را تأخیر اندازد باید اول نماز عشاء را بخواند و بعد نماز مغرب را فضا کند و در میان این دو، وقت مشترک است، اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز عشاء را قبل از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز متوجه شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعداً بجا آورد.

مسألة ۶۷۷ - وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسأله پیش گفته شد برای اشخاص فرق می کند مثلاً برای مسافر در مورد نماز ظهر و عصر و عشاء به اندازه دو رکعت است و برای حاضر به اندازه خواندن چهار رکعت.

مسألة ۶۷۸ - هرگاه از روی غفلت یا فراموشی شروع به نماز عشاء کند و در اثنا بفهمد که نماز مغرب را نخوانده باید تبت را به نماز مغرب برگرداند، مگر اینکه وارد رکعت چهارم شده باشد که در این صورت عدول جایز نیست و باید ادامه دهد و نماز مغرب را بعد بجا آورد.

مسألة ۶۷۹ - آخر وقت نماز عشاء نصف شب است و احتیاط واجب آن است که شب را از اول غروب آفتاب تا اذان صبح حساب کند ولی برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب کند. (۱)

مسألة ۶۸۰ - هرگاه عمداً نماز مغرب و عشاء را تا نصف شب نخواند وقت آن گذشته و

۱- روی این حساب تقریباً ساعت یازده و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشاء است، هر چند در ایام سال کمی تفاوت کند و اول وقت نماز شب ساعت ۱۲ می باشد.

باید قضا کند، اما اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح بجا آورد و نماز او ادا است.

### وقت نماز صبح

مسألة ۶۸۱ - وقت نماز صبح از اول طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب و فجر صادق سپیده صبح است که در افق پهن می شود و بهتر است نماز صبح را قبل از روشن شدن هوا در همان تاریکی اول صبح بجا آورد.

### احکام اوقات نماز

مسألة ۶۸۲ - هنگامی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین به داخل شدن وقت پیدا کند، یا لاقبل یک مرد عادل خبر از ورود وقت دهد، اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است و اگر گمان قوی به دخول وقت از راههای دیگر پیدا کند آن نیز کفایت می کند، خواه از روی ساعت صحیح باشد یا از غیر آن.

مسألة ۶۸۳ - کسانی که به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار) و یا گرفتاری در زندان و یا نداشتن بینایی چشم، نمی توانند یقین به دخول وقت پیدا کنند، چنانچه گمان قوی داشته باشند می توانند مشغول نماز شوند.

مسألة ۶۸۴ - هرگاه مطابق دستورهای بالا مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است، همچنین اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده باید نماز را اعاده کند، ولی اگر در بین نماز یا بعد از نماز بفهمد وقت داخل شده بود نمازش صحیح است.

مسألة ۶۸۵ - هرگاه انسان بر اثر غفلت و فراموشی مشغول نماز شود بی آنکه از دخول وقت با خبر گردد چنانچه تمام نمازش در وقت واقع شده باشد صحیح است و اگر همه یا قسمتی از آن پیش از وقت بود نمازش باطل است.

مسألة ۶۸۶ - هرگاه بعد از نماز شک کند نماز را در وقت خوانده یا نه، نماز او صحیح است، به شرط آنکه هنگام شروع نماز غافل از وقت نباشد ولی اگر در بین نماز شک کند نماز او باطل است و باید پس از دخول وقت اعاده کند.

مسألة ۶۸۷ - در تنگی وقت اگر انجام مستحبات نماز باعث شود مقداری از واجبات در خارج وقت واقع گردد باید آن مستحبات را ترک کند (مانند قنوت و اقامه).

مسألة ۶۸۸ - کسی که به اندازه یک رکعت نماز وقت دارد باید تمام نماز را به نیت ادا بخواند، ولی تأخیر انداختن نماز تا این حدّ حرام است، بنابراین اگر به اندازه پنج رکعت تا مغرب وقت داشته باشد نماز ظهر و عصر را به نیت ادا بخواند و به همین ترتیب سایر نمازها.

مسألة ۶۸۹ - یکی از مستحبات مؤکد این است که نماز را در اول وقت فضیلت آن بخوانند و در روایات راجع به آن بسیار سفارش شده است و هرچه به اول وقت فضیلت نزدیکتر باشد بهتر است.

مسألة ۶۹۰ - کسانی که دارای عذری هستند و یقین دارند عذرشان تا آخر وقت برطرف می شود واجب است صبر کنند و چنانچه یقین داشته باشند عذر باقی می ماند، صبر کردن واجب نیست، اما اگر احتمال می دهند برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کنند، مگر در مورد نیمم که می توانند در چنین صورتی در اول وقت نماز بخوانند.

مسألة ۶۹۱ - کسی که مسائل نماز یا شکایات و سهویات را نمی داند و احتمال می دهد در نمازش پیش آید باید برای یادگرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که می تواند نماز را به طور کامل تمام کند جایز است در اول وقت مشغول نماز شود.

مسألة ۶۹۲ - هرگاه در نماز مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد به قصد رجاء عمل کند و باید بعد از نماز مسأله را سؤال کند که اگر باطل بوده دوباره بخواند (و احتیاط آن است طرفی را که بیشتر احتمال می دهد بگیرد).

مسألة ۶۹۳ - هرگاه ببیند مسجد نجس شده بهتر این است اول مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند، همچنین اگر طلبکاری ایستاده و طلب خود را مطالبه می کند، ولی اگر نماز و مقدمات آن وقت زیادی را بگیرد واجب است اول تطهیر مسجد کند و اداء دین نماید بعد نماز بخواند، اگر بر خلاف این دستور عمل کند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است و در تنگی وقت، نماز مقدم است.

مسألة ۶۹۴ - مستحب است پنج نماز را در پنج وقت بجا آورد، یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن و به مقدار ناقله یا تعقیبات کافی نیست، بلکه معیار همان وقت فضیلت است.

مسألة ۶۹۵ - وقت فضیلت نماز ظهر تا موقعی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود (منظور سایه‌ای است که از ظهر به بعد پیدا می‌شود) و وقت فضیلت عصر از موقعی است که شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود و وقت فضیلت نماز مغرب از غروب است تا ناپدید شدن «حمزة مغریبه» (یعنی رنگ سرخی که بعد از غروب آفتاب در مغرب ظاهر می‌شود) و وقت فضیلت نماز عشاء از موقعی است که سرخی مزبور ناپدید می‌شود تا یک سوم از شب و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع فجر یعنی سپیده صبح است تا موقعی که هوا روشن شود.

### ترتیب در میان نمازها

مسألة ۶۹۶ - نماز ظهر و عصر باید به ترتیب خوانده شود، یعنی اول نماز ظهر، بعد نماز عصر، همچنین باید در میان نماز مغرب و عشاء نیز ترتیب رعایت شود و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر، یا عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

مسألة ۶۹۷ - هرگاه به نیت نماز ظهر، نماز را شروع کند و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است نمی‌تواند نیت نماز را به عصر برگرداند و نماز او باطل است، همچنین در مورد نماز مغرب و عشاء، اما اگر نیت نماز عصر کند و بعد متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده هر جای نماز باشد می‌تواند نیت خود را به ظهر برگرداند، همچنین اگر شروع به نماز عشاء کرده و متوجه شود نماز مغرب را نخوانده اگر قبل از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نیت را برمی‌گرداند، ولی اگر بعد از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز را به نیت عشاء تمام می‌کند، بعداً نماز مغرب را می‌خواند و احتیاطاً نماز عشاء را نیز اعاده کند.

مسألة ۶۹۸ - اگر در اثناء نماز عصر شک کند که آیا نماز ظهر را خوانده یا نه، باید به همان دستور که در مسألة قبل گفته شد عمل کند، یعنی نیت را به ظهر برگرداند و بعداً عصر را بخواند، همچنین اگر در وسط نماز عشاء شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید به دستور گذشته عمل کند.



مسألة ۶۹۹ - عدول از نماز قضا به نماز ادا و همچنین از نماز مستحب به نماز واجب ، جایز نیست، ولی عدول از نماز ادا به قضا جایز است و اگر نماز قضا، قضای همان روز باشد احتیاط واجب این است که عدول کند و بعد از فراغت از نماز قضا، نماز ادا را بخواند، البته این در صورتی است که جای عدول باقی باشد، مثلاً در صورتی می تواند نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم از نماز ظهر نشده باشد.

### نمازهای نافله (مستحب)

مسألة ۷۰۰ - نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را نافله گویند و از میان نمازهای نافله، نافله های شبانه روزی بیشتر سفارش شده است.

مسألة ۷۰۱ - نافله روزانه به ترتیب زیر است : نافله ظهر هشت رکعت و نافله عصر نیز هشت رکعت است، نافله مغرب چهار رکعت و نافله عشا دو رکعت است که نشسته خوانده می شود، نافله شب یازده رکعت و نافله صبح دو رکعت است و چون دو رکعت نافله عشا یک رکعت حساب می شود، مجموع این نافله ها سی و چهار رکعت خواهد بود، ولی در روز جمعه سی و هشت رکعت است زیرا چهار رکعت به نافله ظهر و عصر اضافه می شود (همه نافله ها دو رکعت دو رکعت خوانده می شود).

مسألة ۷۰۲ - از یازده رکعت نافله شب هشت رکعت را به نیت «نافله شب» و دو رکعت آن به نیت «نافله شفع» و یک رکعت به نیت «نافله وتر» بجا می آورد.

مسألة ۷۰۳ - نافله شب از مهمترین نمازهای نافله است که در روایات اسلامی و قرآن مجید روی آن تأکید شده و تأثیر عمیقی در صفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حل مشکلات دارد و در کتب معروف دعا، آدابی برای آن ذکر کرده اند، مخصوصاً برای قنوت نافله وتر، رعایت این آداب خوب است ولی می توان نماز شب را بدون این آداب مانند نمازهای معمولی نیز انجام داد و کسی که به علنی نتواند آخر شب بیدار شود و نماز شب را بخواند می تواند قبل از خواب آنها را بجا آورد.

مسألة ۷۰۴ - نماز نافله را می توان نشسته خواند، ولی در این صورت احتیاط این است که هر دو رکعت را یک رکعت حساب کند، مثلاً به جای هشت رکعت نافله ظهر ایستاده ، شانزده رکعت نشسته بخواند.

مسألة ۷۰۵ - نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است و نباید خوانده و احتیاط آن است که نافله عشا را نیز ترک کند، اما بقیه نافله های روزانه یعنی نافله صبح و مغرب و نافله شب در سفر ساقط نمی شود.

مسألة ۷۰۶ - چنانکه گفتیم نمازهای نافله را باید دو رکعت دو رکعت انجام داد، جز نافله وتر، که یک رکعت است و اگر بخواند نافله وتر را نشسته بخواند باید دو نماز یک رکعتی جداگانه بجا آورد.

### وقت نافله های روزانه

مسألة ۷۰۷ - وقت نافله ظهر قبل از نماز ظهر است، از اول ظهر تا موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود بیشتر از دو هفتم طول شاخص شود، مثلاً اگر طول شاخص هفت و پنج است هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود بیشتر از دو و پنج شود وقت نافله ظهر تمام شده.

مسألة ۷۰۸ - وقت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده می شود تا موقعی است که سایه شاخص به چهار هفتم آن برسد به شرحی که در مسألة پیش گفتیم.

مسألة ۷۰۹ - وقت نافله مغرب بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.

مسألة ۷۱۰ - وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا است تا نصف شب و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

مسألة ۷۱۱ - وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق و می تواند آن را بعد از نماز شب بلافاصله بجا آورد.

مسألة ۷۱۲ - وقت نافله شب بنا بر احتیاط از نصف شب است تا اذان صبح، ولی بهتر است در موقع سحر یعنی در ثلث آخر شب بخواند.

### نماز غفیله

مسألة ۷۱۳ - از نمازهایی که بجا آوردن آن به امید ثواب پروردگار خوب است نماز غفیله است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا

موقمی که سرخی طرف مغرب از بین برود، در رکعت اول بعد از حمد بجای سوره این آیه را می خواند:

وَذَ النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَنْقُذَهُ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُفَجِّئُ الغُومِينَ وَ فِي الرِّبِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَ فِي مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِى كَذَا وَ كَذَا وَ بِجَاى كَلِمَه كَذَا وَ كَذَا حَاجَتَهَاى خُود رَا بگویند و بعد بگویند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نَفْسِي وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ قَضَيْتَهَا.

### احکام قبله

مسألة ۷۱۴ - تمام نمازهای واجب باید رو به قبله خوانده شود.

مسألة ۷۱۵ - «خانه کعبه» که در مکه معظمه است قبله تمام مسلمین دنیاست و هر کس در هر جا باشد باید روبروی آن نماز بخواند، اما کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافی است، بنابر این صنفهای طولانی نماز جماعت که طول آنها از طول خانه خدا بیشتر است همه می توانند رو به قبله باشد.

مسألة ۷۱۶ - لازم نیست در موقع ایستادن، نوک انگشتان پا هم رو به قبله باشد، یا در موقع نشستن، سر زانوها کاملاً رو به قبله قرار گیرد، همین اندازه که بگویند رو به قبله ایستاده یا نشسته کفایت می کند.

مسألة ۷۱۷ - کسی که نمی تواند نماز را نشسته بخواند باید به پهلو راست طوری بخوابد که جلو بدنش رو به قبله باشد و اگر آن هم ممکن نیست به پهلو چپ طوری بخوابد که جلو بدنش رو به قبله باشد و اگر این را هم نمی تواند باید به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

مسألة ۷۱۸ - در نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده نیز باید رو به قبله باشد و در سجده سهو احتیاط واجب نیز همین است.

مسألة ۷۱۹ - جایز است نماز مستحبی را در حال راه رفتن و سواره بخواند و در این حال لازم نیست رو به قبله باشد.

مسألة ۷۲۰ - برای تعیین قبله راههای زیادی وجود دارد، نخست کوشش کند تا یقین حاصل نماید و نیز می‌تواند به گفتهٔ دو شاهد عادل و با یک فرد مورد اطمینان که از روی نشانه‌های حسی شهادت می‌دهد و یا به قول کسی که از روی فاعدهٔ علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است عمل کند و اگر اینها ممکن نشد باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می‌شود عمل نماید.

مسألة ۷۲۱ - قبله نماهای معمولی در صورتی که سالم باشد از وسایلی خوب برای شناخت قبله است و گمان حاصل از آن کمتر از گمان از راههای دیگر نیست، بلکه غالباً دقیق‌تر است.

مسألة ۷۲۲ - به گفتهٔ صاحب منزل یا مسئول یک مسافرخانه و مانند آن در صورتی که فرد بی‌مبالات نباشد می‌توان اعتماد کرد.

مسألة ۷۲۳ - هرگاه راهی برای پیدا کردن قبله وجود نداشته باشد و قبله در میان چهار سمت مختلف مردد شود یک نماز به یک طرف کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که چهار نماز به چهار طرف بخواند و هرگاه در سه طرف یا دو طرف احتمال وجود قبله را می‌دهد فقط به سمت آنها نماز بخواند.

مسألة ۷۲۴ - کسی که می‌خواهد به چند طرف نماز بخواند اگر بخواند نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را بجا آورد بهتر آن است نماز اول را به چند طرف تمام کند بعد نماز دوم را شروع نماید.

مسألة ۷۲۵ - سربریدن حیوانات نیز باید رو به قبله باشد و هرگاه قبله را پیدا نکند باید به گمان خود عمل نماید و اگر تحصیل گمان ممکن نیست و نیاز به سربریدن حیوان دارد به هر طرف که انجام دهد صحیح است و در مورد دفن مسلمان که باید رو به قبله باشد نیز همین ترتیب باید عمل کرد.

### پوشانیدن بدن در نماز

مسألة ۷۲۶ - مرد باید در حال نماز صورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی‌بیند و

بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهتر اینکه لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می‌کند به تن داشته باشد.

مسئله ۷۲۷ - زن باید در موقع نماز تمام بدن و حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن گردی صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، اما برای اینکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسئله ۷۲۸ - در نماز احتیاط و قضای سجده یا تشهد فراموش شده، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو و سجده‌های واجب قرآن نیز خود را مانند موقع نماز بپوشاند.

مسئله ۷۲۹ - برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دست بند و گردن بند) نیز لازم است.

مسئله ۷۳۰ - هرگاه در بین نماز بفهمد که قسمتی را که باید بپوشاند پیدا است باید فوراً آن را بپوشاند، به شرط اینکه کاری که صورت نماز را بر هم می‌زند بجا نیآورد و چنانچه پوشاندن آن زیاد طول بکشد احتیاط واجب آن است خود را بپوشاند و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۷۳۱ - هرگاه بعد از نماز بفهمد که مقدار واجب را در حال نماز نپوشانده، نمازش صحیح است.

مسئله ۷۳۲ - انسان می‌تواند خود را در نماز با برگ درختان یا علف بپوشاند، ولی احتیاط مستحب آن است هنگامی از اینها استفاده کند که چیز دیگری نباشد.

مسئله ۷۳۳ - اگر چیزی غیر از گل در اختیار ندارد باید بدن خود را با آن بپوشاند و نماز بخواند.

مسئله ۷۳۴ - هرگاه برهنه است و چیزی برای پوشانیدن بدن در نماز ندارد، چنانچه احتمال می‌دهد تا آخر وقت پیدا کند، احتیاط آن است که نماز را به تأخیر اندازد و اگر پیدا نکرد چنانچه کسی او را می‌بیند باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را به این وسیله بپوشاند و اگر کسی او را نمی‌بیند ایستاده نماز بخواند و بنا بر احتیاط واجب عورت را با دست بپوشاند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر بیاورد.

### شرایط لباس نمازگزار

مسألة ۷۳۵ - لباس نمازگزار شش شرط دارد: ۱ - پاک بودن ۲ - غصبی نبودن، پناهر احتیاط واجب ۳ - از اجزاء مردار نباشد ۴ - از حیوان حرام گوشت نباشد ۵ و ۶ - اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابریشم خالص یا طلا بافت نباشد و شرح اینها در مسائل آینده خواهد آمد.

مسألة ۷۳۶ - شرط اول اگر کسی عمداً با لباس یا بدن نجس نماز بخواند نمازش باطل است، حتی اگر به خاطر یاد نگرفتن مسأله باشد.

مسألة ۷۳۷ - اگر خیر ندارد که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است، اما اگر قبلاً با خیر بوده و فراموش کرده و با آن نماز خوانده باید نماز را اعاده کند، خواه در وسط نماز باشد بیاید، یا بعد از نماز و اگر وقت نماز گذشته باید قضا کند.

مسألة ۷۳۸ - هرگاه کسی مشغول نماز است و در وسط نماز لباس یا بدن او نجس شود، یا بفهمد لباس یا بدن او نجس شده است اما نداند همان موقع نجس شده یا از قبل نجس بوده، چنانچه آب در دسترس اوست و آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن آن نماز را به هم نمی زند باید همان موقع آن را آب بکشد، یا عوض کند، سپس نماز را ادامه دهد و اگر ممکن نیست باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند و این در صورتی است که وقت تنگ نباشد و الاً با همان حال نماز می خواند و صحیح است.

مسألة ۷۳۹ - کسی که بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده نمازش صحیح است، خواه در وقت باشد یا بعد از وقت.

مسألة ۷۴۰ - هرگاه لباس یا بدن نجس بوده و آن را آب بکشد و یقین به پاکی آن پیدا کند و نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد هنوز پاک نشده است، نماز او صحیح است و برای نمازهای بعد باید آن را پاک کند.

مسألة ۷۴۱ - هرگاه در لباس خود خونی ببیند و یقین کند که به مقدار کمتر از درهم است و یا خون زخم و دمل است که برای نماز اشکال ندارد و با آن نماز بخواند، بعد بفهمد خون بیش از مقدار درهم بوده، یا خون از غیر زخم و دمل است نمازش صحیح است.

مسألة ۷۴۲ - هرگاه نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن ملاقات کند و نماز بخواند بعد باید نماز او صحیح است، ولی اگر بدنش با رطوبت

به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده ملاقات کند و بدون آنکه خود را آب بکشد، غسل کند، غسل و نمازش باطل است.

**مسألة ۷۴۳ -** کسی که یک لباس بیشتر ندارد هرگاه بدن و لباس او هر دو نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آن دو بیشتر آب ندارد احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد و نماز را با همان لباس نجس بخواند، ولی اگر نجاست لباس شدیدتر باشد (مثلاً نجاستش از بول باشد که باید آن را با آب قلیل دو مرتبه شست و نجاست بدن مثلاً از خون باشد که یک مرتبه شستن کافی است) احتیاط واجب آن است که لباس را بشوید و با نجاست بدن نماز را بخواند.

**مسألة ۷۴۴ -** هرگاه کسی غیر از لباس نجس لباس دیگری در اختیار ندارد و احتمال نمی‌دهد تا آخر وقت لباس پاک پیدا کند باید با همان لباس نماز بخواند.

**مسألة ۷۴۵ -** کسی که دو لباس دارد و می‌داند یکی از آن دو نجس است اما نمی‌داند کدامیک از آنهاست یا هیچ کدام نمی‌تواند نماز بخواند و باید هر دو را آب بکشد و اگر توانایی بر این کار نداشته باشد باید دو نماز جداگانه با آن دو لباس بخواند.

**مسألة ۷۴۶ -** شرط دوم لباس نمازگزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد و اگر عمداً در لباس غضبی نماز بخواند حتی اگر نخ یا دکمه آن غضبی باشد نماز را اعاده کند، ولی اگر نمی‌داند غضبی است و با آن نماز خواند نمازش صحیح است، همچنین اگر قبلاً می‌دانسته غضبی است و بعد فراموش کرده، مگر اینکه غاصب خود نمازگزار باشد، به این معنی که چیزی را غصب کرده و بعد فراموش نموده و با آن نماز خوانده است در اینجا احتیاط واجب آن است که اعاده نماید.

**مسألة ۷۴۷ -** چنانچه در اثناء نماز متوجه شود که لباس او غضبی است اگر چیز دیگری که عورت او را بپوشاند در تن دارد باید لباس غضبی را بیرون آورد و نماز را ادامه دهد و اگر چیز دیگری در تن ندارد نماز را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند.

**مسألة ۷۴۸ -** اگر کسی برای حفظ جان خود با لباس غضبی نماز بخواند نمازش صحیح است، همچنین اگر برای حفظ آن لباس از دستبرد دزد و مانند آن، آن را بپوشد، نمازش درست است.

**مسألة ۷۴۹ -** اگر با پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز در آن لباس اشکال

دارد، همچنین اگر لباسی را نسبه بخورد اما در موقع معامله قعدش این باشد که از پولی که خمس یا زکات آن را نداده بدهی خود را بدهد یا اصلاً بدهی خود را ندهد نمازش اشکال دارد.

**مسألة ۷۵۰ -** شرط سوم لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد نباشد، بلکه احتیاطاً واجب آن است که از ابرای حیوانتهای مرده دیگر که خون جهنده ندارند (مانند ماهی و مار) نیز اجتناب کند.

**مسألة ۷۵۱ -** نمازگزار باید از اجزای مردار چیزی همراه نداشته باشد هر چند به صورت لباس هم نباشد اما اجزایی که مانند مو و پشم بی روح است مانعی ندارد، مثلاً می توان از مو و پشم مردار حلال گوشت لباس تهیه کرد و با آن نماز خواند.

**مسألة ۷۵۲ -** با لباسهای چرمی که از بازار مسلمانان تهیه می شود می توان نماز خواند هر چند شک داشته باشد که از حیوانی است که ذبح شرعی شده یا نه، اما اگر یقین داشته باشد که چرم را از ممالک غیر اسلامی آورده اند و نرزشنده یک است، لائالی است که درباره آن تحقیق نکرده نماز با آن جایز نیست و اگر نماند چرم از بلاد اسلامی است یا غیر بلاد اسلامی اشکال ندارد.

**مسألة ۷۵۳ -** شرط چهارم لباس نمازگزار باید از اجزاء حرام گوشت نباشد، حتی اگر موی از آن همراه نمازگزار باشد اشکال ندارد.

**مسألة ۷۵۴ -** هرگاه آب دهان یا بشی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت روی بدن (گره) در بدن یا لباس نمازگزار باشد مادام که عین آن برطرف نشده نماز با آن اشکال دارد اما اگر خشک شود و عین آن برطرف گردد نماز صحیح است.

**مسألة ۷۵۵ -** بودن مو یا عرق یا آب دهان انسانی در بدن یا لباس انسانی دیگر برای نماز اشکال ندارد.

**مسألة ۷۵۶ -** اگر مروارید یا موم همراه نمازگزار باشد برای نماز او اشکالی ندارد ولی نماز خواندن با دکمه صدف که از حیوان حرام گوشت گرفته می شود مشکل است.

**مسألة ۷۵۷ -** اگر شک داشته باشد که لباس از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز با آن صحیح است، خواه در داخل تهیه شده باشد یا در خارج.

**مسألة ۷۵۸ -** این ایام چرمهای مصنوعی را به وسیله مواد پلاستیکی و مانند آن می سازند